









دروسی از فلسفه



دکتر محضن اُستاد  
علی تهرانی

و این توانائی و قوهای که در دنیا برای اصحاب  
ات در ایجاد صورتهای عینی دنیوی است، در آخرت  
ک همه مردم است خواه سعید باشد و خواه شقی اولی  
اشان چون دارای ملکات معتدله و آراء و عقاید مستقیم  
خلاق صحیح و نفوس سالم از امراض نفسانی و اخلاق  
وم (که از معصیت‌ها و شهوت‌رانیها بوجود می‌آیند)  
تندد. همنشیشان و صادر از همنشان به عنایت باری تعالی  
ر، غلمان، رضوان، لوط، مرجان، صورتهای زیبا،  
ع نعمتها و اقسام کرامتهاست و اشیای انسان بعلت  
ث اخلاق، پستی ملکات، کجی ادراکات، فساد رای‌ها  
قیده‌ها و مربیضیهای نفسانی که از پیروی دنیا و دوستی  
وتها و لذت‌های نامشروع و ترک اطاعت اوامر و نواهی  
کی و پیروی نفس امارة بوجود می‌آیند، همنشیشان و  
در از همنشان در قیامت، جهنم، نیران، مالک  
مناک دوزخ، عقربها، مارها، صورتهای بوحشت‌اندازه  
ح، انواع عذابها و اقسام عقابها است. چه امور اخروی  
تعیم بهشت و هم عذاب جهنم و هم سایر حالات،  
جیع عملها و رفتارها و اثرات اخلاق و ملکاتی هستند که  
دنیا کسب شده و در نشانه آخرت ظاهر می‌شوند و تجسم  
ایند.

صورتهای اخروی هم در طرف لذت و خوشی و هم در ب درد و ناخوشی از صورتهای دنیوی به اندارهای که نشیستگیری نیست، شدیدترند و علت آنهم واضح، زیرا هرچه قلب انسان فارغ تر و مشاغلش کمتر باشد، مش روشنتر و تاثیر آن در او شدیدتر است ولذا میابیم تا هی معلوم ما در خواب (هم در طرف لذت بری و ملایم ن و هم در طرف رنج بری و خشن بودن) از معلوم ما در ری در ما تاثیر تمامتی دارد و این نیست مگر بخطاطر انسان در خواب از احساسات ظاهری مادی فارغ است، مشاغل مادی کمتری مبتلاست و قهراء "صورتهای علمی وی که دیگر انسان در آن نشئه کاملاً" از احساسات ری مادی فارغ است و دیگر مشغلهای دنیوی ندارد، بد بمراتب تاثیرشان در او بیشتر از صورتهای مشهود خواب باشد که معلوم شد کاهی تاثیر آنها در انسان تب از صورتهای مشهود در بیداری بیشتر است ولذا در این رسمیده: که این آتش در دنیا، هفتاد بار شسته شده ابل بهره بری گشته است.

اصل هفتم - بی شک رویدادها و حرکتها و تغییرهای جی و انتقالهای ذهنی همه در وجود و تحقق، احتیاج وجود ماده و محل دارند ولی از جهت آنکه ماده و محل ارتباط استعداد و امکان آنها است نه آنکه شیئی خاص ماده مخصوص عنصری است و قهراً نقش انسانی نامی که در نشانه دنیا و متعلق به بدن مادی عنصری ماده و موضوع حرکات و انتقالات و تحولات و لالتش، بدن مادی عنصری است که دائماً در جوهر اعراض متحرک و در استحاله است و پس از انتقال نشانه دیگر اگرچه از چنین ماده و موضوعی فارغ می‌شود خود با قوه خیالش بدنی بهمراه دارد که (چنانکه در دوم اثبات شد) به ذاتش تعلق صدوری دارد و ماده موضوع حرکات و انتقالات و لذتبریها یا رنجکشی‌های ویژه قرار می‌گیرد.

بنابراین نفس انسانی هنکام فراقت و جدا شدن از عنصری خواه با خواب باشد و خواه با مردن، با قوه لش و بدنی که از ذاتش منشاء گرفته، مصاحب و همراه و وجود این قسم از نفوس که از عالم عناصر، جدا شده از نفوسي که هنوز در زندان عناصرند و تعلق به عنصری دارند، قوی‌ترند اگرچه کناهکاران و بدکاران فرانشان انواع عذابهای جسمانی با خاطر اکتساب اخلاق ملکات پست و اعتقادات تباھی آور و آراء نادرست، بند و این ملکات و اخلاق و اعتقادات و آراء درحقیقت بندکهای شعلهورند که از درون و باطن دارندگانشان سیخیزند چنانکه قرآن کریم سوره همزه آیه ۷ تا ۹ بوده: همانا آن آتش برافروخته خداست که بر دلها بالا برد همانا بر آنها بسته شده در ستونهای کشیده شده.

و نیکوکاران و مومنانشان به انواع لذتها و تنعمات عانی با خاطر اکتساب اعتقادات حقه آراء درست و حق نیکو و ملکات حمیده، متنعمند و تجسم اخروی این نفادات و اخلاق و ملکات همان باغ ملی، نهرها، درهها، درختها، چشمها جاری، تختهای برافراشته، حور عین‌های همانند لوله‌لوه که پاداشی از خدا بر آنها و فعالیتهای خدایی آنها است.

نتیجه: با توجه و تأمل و تفکر در این اصول هفتگانه که  
براهین و کواهان، بروشته پیوست، برای آنها که فطرت  
انی شان ازبلای گمراهی و کجی و بیماری عناد و جدال  
دادت تعصب ورزی و کیریائی فروشی، سالم مانده است،  
که در مسئله معاد و حشر نفسها و بدنها باقی نمیماند و  
یابند که این بدن عیناً روز قیامت بصورت جسمانی  
شور میشود و برایشان روش میشود که آنچه از انسان در  
معاد، برمیگردد، مجموع شخص نفس و عین بدن است  
بیمان می‌آورند که برانگیخته شده در قیاست عین همین  
ن است نه بدنی مثل این بدن از ماده عنصری چنانکه  
متکلمان و فقهای اسلام بدان اعتقاد بسته‌اند و یا از  
ه مثالی و بزرخی چنانکه حکای اشراق بدان معتقد  
ه‌اند. و این اعتقادی صحیح و مطابق عقل و شرع و  
حق ملت و حکمت است و دارندۀ این روز حساب و پاداش  
می‌آنچه در آیات کریم و روایات شریف رسیده، ایمان  
ده است.

نژادپرستی تبعیض علیه اقلیتها وغیره وغیره متهم در حالیکه اصولاً "چنین اتهاماتی بی پایه است. در حال نفس وجود چنین تبلیغاتی علیه ایران نشان آن که هنوز نژادگرائی بدون ریشه وزمینه هم درکشورهای (البته نه همه آنها) نیست. مطالعهای در این مورد میدهد که بدون ارتباط با سؤال اول ودوم شما ندانمان ونداشتن یک سیاست تبلیغاتی خارجی مشخص ن را به رشد این قبیل تبلیغات ناروا داده است. س: انگیزه اصلی جنگ ایران و عراق را در چه عواملی

ج- درتضادی که در ماهیت رژیم عراق وطیعت  
شوری اسلامی ایران نهفته است. همانطوریکه بارها  
با خوانده و شنیدهایم واعتقاد داریم انقلاب اسلامی  
بن ریشه قوی ترین قدرت استعماری غرب یعنی امریکا را  
منتها در این کشور بلکه در همه کشورهای منطقه وجه بسا  
نمزلزل کرده است. رژیمهای واپسی به امریکا در  
بن عرب بیش از همه از آین انقلاب متوجه شاند. عراق  
بن مورد وحشت بیشتری دارد زیرا اکثریت ساکنان آن  
بن شیعه‌ای ایرانی الاصل هستند و از قرنها پیش بدین  
، پیوند معنوی میان آنها و ملت ایران وجود داشته  
.. از اینها گذشته قلب تشیع از ۱۴ قرن پیش به این  
درگریلا ونجهو دیگر شهرهای مقدس آن سرزمین  
د و پیوند معنوی میان سلمانان ایران و عراق را تحکیم  
تری می‌بخشد. مسلم است که ملت عراق که چنان  
دهایی را با ایران دارد نمی‌تواند در برابر انقلاب  
می ایران بیطرف بماند و دیدهایم که از روز ظهور  
شوری اسلامی ایران به این طرف موج مخالفت اکثریت  
مانان بارزیم ستکار عراق دامن گرفته است. بدین  
سب عراق در قلب خاک خود شعله درخشانی از انقلاب  
می ایران را احساس می‌کند. مسلم است که برای چنان  
جنب شعله‌اء، خطناک است. عاماً اصل جنگ

و عراق را در همین مورد باید جستجو کرد.  
دوم بلندپروازیهای احمقانه رژیم عراق است که پس  
بودی رژیم طاغوت میکوشد تا افتخار زاندارم شدن  
و خلیج فارس را بخود اختصاص دهد. با توجه به آنکه  
پیش از ۲۵۰ کیلومتر مرزآبی در خلیج فارس ندارد  
های آبی ایران هزاران کیلومتر از شمال خلیج فارس را  
برمیگیرد. دعوی عراق برای زاندارم شدن منطقه  
سلطه بر خلیج فارس میسر نیست و در این جاست که  
جمهوری اسلامی ایران را بصورت بزرگترین مانع  
خدمه نماید.

س: ادامه جنگ با عراق و نتایج حاصل را چگونه میگنید؟  
جه: اولین نتیجه حاصل از این جنگ، شکست عراق است محاسبات غلطی بوده که در مورد ایران میکرده . دیگری اعتبار شدن رژیم صدام در میان ملت عراق است صفوی مخالفان رژیم است که اکثربت آنها طرفداری اسلامی ایران و هدفهای آن هستند. اگر این جنگ میمین سطح و میزان ادامه پیدا کند خواهناخواه عوارض ادی پیش‌بینی نشده‌ای را برای دوکشور پدید خواهد که با توجه به موضع خاک ایران و این محدودیت

نی بیکران، عوارض برماکمتر از عراق خواهد بود.  
س- درصورتیکه این جنگ به نفع ایران پایان یابد  
که احتمالاً "امریکا پیش خواهد گرفت چه خواهد بود  
قابل انقلاب ایران؟"  
ج- مسلم است که پیروزی ایران در این جنگ که از  
بنون مقدمات آنهم آشکار شده است موقع ایران و  
جمهوری اسلامی را اول در منطقه و بعد در سراسر  
استوارترخواهد کرد و حقانیت معیارهای اسلامی را  
نشان خواهد داد. امریکا هم در مقام بزرگترین  
مارکر عرب ار چنین رویدادی طبعاً "متاثر خواهد بود  
صالح فراوانی که در منطقه دارد مجبور است روشی  
نهنتر در برابر ایران در پیش بگیرد. چه بسا او توب و  
ای دیرینددست بپدارد. از فکر تحریک همسایگان  
علیه ایران منصرف شود و در برابر بهمان مرحله‌ای  
گذارد که پس از درگیریها و تهدیداتش مثلًا "با کویا در  
کرفت. وجود جمهوری اسلامی را بصورت واقعیتی  
و مسلم در این منطقه قبول کند و جبر تاریخ او را  
رسازد که اگر نمی‌تواند به روابط برابری آر نظر  
عاسی بین‌المللی با ایران مبادرت کند و اگر روابطش  
و اند برمبنای دوستی باشد دشمنی هم نکند. ناکفته

س: سیاست خارجی ایران پس از انقلاب در نزدیک  
به کشورهای عربی منطقه‌ای چه نقاط ضعف و قوتویی  
ردا بوده است؟

ج- باكمال تاسف باید گفت ما نه تنها درکشورهای  
منطقه بلکه دردیگر نقاط عالم نیز سیاست خارجی  
محی را تعقیب نکردہایم. البته جمهوری اسلامی  
ین مورد مقصّر نیست. زیرا گرفتاری‌های داخلی و  
دهای ضدانقلاب در داخل وامریکا و کشورهای وابسته  
در خارج علیه این جمهوری نوحاسته جناب وسیع  
که بیشتر وقت دهیان، انقلاب و گدایندگان، سیاست

بیشتر وقت را برگزینند و در مدتی که این روایت مذکور شد، مشغول کرده است. از این رو در نظر گرفته شد که این نکات ضعف و قوت طبعاً وجود دارد. از جمله مشتبه که در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب داشته توجه به کشورهای متفرقی چه مسلمان و چه مسیحی بسلمان جهان، تماس و ارتباط با دولتهاي انقلابي و جبهه هاي آزادبیخش بوده است. تشکيل نسخه اي جهاني در تهران که البته نه به همت وزارت آنها بلکه به گوشش دانشجويان پپروخط امام و ديدگرها بوده در توجيه موضع سياسي ايران به جهانيان بوده است. مثلاً "جهبهه هاي آزادبیخش" که از طرف جويان پپروخط امام در كنفرانس بررسي و جنایات اداره تهران دعوت شده بودند آز يكسو پپيوندهاي ملت را در زمينه سياست خارجي با اين جبههها استوار نمود و از سوي ديدگر بالاوضاع ايران از نزديك آشنا و از همه بالاتر هرگدام بصورت تربيوني درکشور خود معرفی انقلاب اسلامي ايران درآمدند. كنفرانس قدس قريباً در همين حد بود.

اگر حمل به یدبیني نشود باید گفت که وزارت خارجه صتهاييکه در مورد انقلاب اسلامي و سياست خارجي داشته بهره جوسي کافي و لازم را نکرده است که اراريم اکنون که دولت و دايانه مراحل استواری خود را

- از نظر استراتژیکی اطلاع جنگ بضم خواهد بود
- با کمال تأسف باید گفت که ما نه تنها مقاطع عالم نیز سیاست خارجی مشخصی را
- شرکت کشورهای ثالثی خارج از دین عیید بمنظر هیر سد زیرا همگی به نفت خلیج

میکنند بتوانیم برنامه‌ریزی‌های دقیقی در این مورد  
ته باشیم. البته نقطه‌های ضعفی که در این مورد به  
م میخورد از مسئله کلی تبلیغاتی خودما در خارج جدا  
ست. بعبارت دیگر میتوان گفت که اگر نقطه‌ضعفهایی  
د داشته هم وزارت امور خارجه وهم وزارت ارشاد ملی  
بسا که پارهای از نهادهای رسمی وغیررسمی در این  
بی تقصیر نبوده‌اند. فراموش نمی‌کیم که در اوایل  
لاب هرکس برای خودش چیزی میگفت وحروفی میزد که  
بر صحیمت وحسن نیت وعلاوه‌به جمهوری اسلامی  
کار بده ول جهن از کابانا، صحیح هدایت نم شد چه

در بود و می پوچار می داشت سعی کرد که فتوری را در سیاست خارجی ما پدید آورده باشد. همان وقت شنیدیم که مقامی که مسئولیت سیاست جی هم نداشت اشارهای به مالکیت ایران بر بحرین بود. این سخن هرچند بانهایت حسن نیت و می اسات ملی مذهبی توأم بوده معهذا از دیدگاه دشمنان و انقلاب اسلامی ایران بهترین دستاویز برای کوبیدن داده است. دشمنان ایران آنرا وسیله تبلیغاتی غلیه ما داده و چنین نشان داده اند که ایران دعاوی ارضی ت به مناطق عرب نشین خلیج فارس دارد. وقتی این مله را در کنار تبلیغات و سبیعی قرار دهیم که رژیم عراق مروز علیه ایران براه ادراخته بیتوانیم استنباط کنیم که نه یک سخن کوتاه و ظاهرها بی اهمیت میتواند آ ویزی برای دشمنان ما قرار گیرد.

در حال حاضر جو غالب برکشورهای عربی مخالف ایران است چه سیاستی اتخاذ شود تا این جو کنم، شود (اللته ساتوجهه به امکانات)،

ج - قبل از هرجیز با راستکین چنین وظیفه‌ای بردوشت خارجه و ارشاد است تا با مطالعه عمیقی از سابقه ط م با این کشورها و یاتوجه به دوستان فراوانی که در کشورها داریم. (مسلمانان، انقلابیون مستضعفان و ممنتقی)، برنامه‌وسیعی را برای تبلیغ و توجیه مواضع لحریزی کنند و باب ارتباط و پیوند آمد و شدمیان ایران یعنی کشورها را برقرار کرده و توسعه دهند. منجمله مهدی‌های رادیویی ایران برای کشورهای عرب باید دامنه تری بگیرد و از اینها گذشته دارالتبیغی مرکب از ازان، دانشمندان و متخصصان دینی، سیاسی، معاشری تشکیل شود و با امکانات بودجه‌ای و پرسنلی لازم پشتکتابیها، مجلات و پولنخدا در این زمینه در کشورهای بـ الـتـهـ اـزـ طـرـیـقـ سـفـارـتـخـانـهـ اـیـرانـ مـبـارـدـ وـرـزـنـدـ. سـ: قـومـیـتـگـرـایـ اـعـرابـ وـقـیـمـ مـخـتمـاتـ مـانـنـدـ شـیـعـهـ یـ چـهـ نـقـشـیـ رـاـ درـ اـینـ مـخـالـفـتـهـ باـ انـقـلـابـ اـیـرانـ تـهـ اـسـتـ؟

ج - بـانـگـرـشـیـ بـهـ بـرـنـامـهـهـایـ رـادـیـوـیـ پـارـهـایـ اـزـ رـهـایـ عـربـ چـنـینـ اـحـسـاسـ مـیـشـودـ کـهـ باـ جـوـهـیـکـهـ انـقلـابـ مـیـ اـیـرانـ مـلـیـ گـرـایـ. نـزـادـپـرـستـیـ وـاخـتـلـافـاتـ مـسـخـرـهـایـ بـبـلـ شـیـعـهـ وـسـتـیـ رـامـدـدـ دـانـسـتـهـ وـدـیدـیـ بالـاتـرـ اـزـ اـینـ مـسـایـلـ پـیـشـیـاـ اـفـتـادـهـ دـارـدـ باـزـهـمـ مـیـ کـوـشـنـدـ تـاـ اـیـرانـ رـاـ

# سیاست خارجی، ایوان و عواف

سام الدین امامی

● از نظر استراتژیکی اطلاع جنگ بضرر همه کشورهای صنعتی منجمله آمریکا

● خواهد بود با کمال تأسف باید گفت که ما نه تنها در کشورهای عربی منطقه، بلکه در دیگر

- شرکت کشورهای ثالثی خارج از منطقه که غیر از ابرقدرتها باشند بسیار عیید بنظر میرسد زیرا همگی به نفت خلیج فارس احتیاج دارند

# قلم انداز

ای چو بیون سخت بی تمکین بود»

بی تردید یکی از مواهی اصلی و اساسی انقلاب اسلامی-  
نه همین برگشاندن کلام ملت از نیام قرون واعصار بود و  
شن سکوت دست کم! دوهزار و پانصد ساله. به سخن دیگر  
کنم با این انقلاب و بواسطه این انقلاب، بیشاز هر  
دیگری در تاریخشان، "سیاسی" شدند، و بهمین نسبت  
صرف آمدنندو بازار بحث ها و چون و چرا هاشان رونق یافت  
با خاطر سکوت و عطش شکستن دیرینه آن انفجاریک  
کلام و از این رو نشید آفرینی صرف بحث،  
ووم وضعی که در اوائل بعد از انقلاب بیشتر و این اواخر  
کی کمتر جریان داشته، خالی از اشکال و مشکل و انحراف  
واهد بود. روش است که مردمان هم به لحظات این که  
مانند و از این رو ذاتاً استدلالی واهل چون و چرا، وهم به  
ظر احساس درست ضرورت حضور بی وقفه شان در صحنه  
چیزی نمی خواهند و رضاخت نمی دهند! که از کوچکترین  
تلهمای غافل بیانند و از آن بی اظهار نظر (و یعنی "عمل"  
برند، چرا که به خاطر اگرنه دوهزار و پانصد سال، دست کم  
جاوه چند سال حاشیه نشینی و سکوت حکم مارکزیده را یافته اند  
حالا از هرچه "سکوت" استمی هرآند و تحمل یک لحظه  
ب حوار سکوت نمی یارند! بهمین خاطراست که بعضی وقتها  
میگویند، "فقط و فقط برای این که سکوت نکرده باشند و شاید

برستی برآنند که این مارخوش خط و خال را باید که با هر یاد و ورد و چماقی! از خود راند. بماند شاید به اجماع لایا! اگتن به وقت ناکفتن بهمان اند از هزیانبار است که لکن به وقت گفتند.

به حال آنچه اینجا گفته شده است هشدار نسبت به مسائل مکلاطی است به مخاطر همین عطش مردم به "بحث" کردن گذشت پیش آید و بعضی "به نفی" کردن همه چیز انجام داده است که کشیدن ستادهای نظامی به اتوبوسها، چندو نیز کردن دریاره انقلاب فرهنگی در کوچه و بزرگراه، بحث بر سرمه و کیف طرحها و کردهای و نکردهای دولت و مجلس در شعبهای نان و نفت! و در ذم وقیع صفهای نان و نفت در خافل و مجالس خصوصی! و ... خود حاکی از زنده و بیندهای بودن این ملت است. گرچه کاهی برخلاف گفته خیم لانا، به جای پا، دستشان چوبین "است واز اینرو رگ" یعنی کردن شان به محبت قوی! اشاید بگوئید مادر چار و هم و میالات شده ایم و "بدبین"! ولی گمان نمی کنیم باز سازیهای بیظوره بحثهای حمامی! حیدری، نعمتی، چندان بیکانه و اشنا باشد، بعضی ها و باکثران ضرب دست استدلایان را یده و نشینیده و یانچشیده باشیم!

ولی حالا حرفمن اینست که اگر این نیروی عظیم به

امان دریابد، انجمن‌های خواهد ساخت، و هر زمان، وقت را  
هدف "را و "حقانیت" را و "اخلاق اسلامی" را و "آدب  
باخته" را و همه و همه را فدای نشئه "پرگفت" وکم یا هیچ  
شنیدن" سازد، به تدریج عشق و شیفتش کی بتحمیل نظرات  
خودی! " را سنت خواهد ساخت، و همچنانکه از هم اکنون  
نهایی از خروار آن پیدا است، شاید در بیشتر مباحثات و  
نظرات گوئی قرار و تعهد و قسم خوردگی برایست که به  
چه روزی مؤئی از سر عدم تفاهم و یا سوتفاهم موجود در آغاز  
آنها و شنیدنها کم نشود! چرا که شاید فقط همین عدم  
تفاهم طلایی بوده کماینهمه سلحشوریها را ممکن ساخته و  
شنا فریده! حال بماند که بعضی از سلحشوران این حساسی  
ای روزمره آنچنان دراین نعمتی که تادیروز کمیا بوده!  
برخختانده و مضرانه اسراف و تبذیر رومی دارند که آدم یاد  
خواهی مفت! ویا "طناب" مجانی می‌افتد، و آنچنان در  
بعد "بودن و "بی نتیجه" ماندن آن می‌کوشند که گوئی  
مال دشمن!" است و "کاهدان" ! دیگری، آنچنانکه وقتی  
یا از نیام برکشیده و بورش ایجا گازند به هیچ تهدید و  
بهیدی نمی‌توانی از تو سوس کلام و خرسیطان! پیاده‌شان کنی،  
که باورشان همچا براین شده که آسودگی ما عدم ماست.  
این زنگ خطر فراوان هشدار دهنده است. اگر این تصور و  
بیشتر توهمند بتصویر رویه‌ای درآید و چوبین شود که گردن  
یا بیان برحقایت طرف مقابل و تقدیر دادن به تفاهم، سبب  
محروم (بندار) آن موجودیت مستقل و مبارز و سلحشو و مخالف!  
من خواهد شد، در آن صورت "ماخته" صورت "مبارزه"  
سکردو موحضاً "مخالف خوانی" حرمت می‌یابد، و "جزمیت  
بعراج"! مذهب اندیشه میگردد و ... "الرحم" جامعه  
فقار میرسد. و پرهیز از این انحطاط شایدتا زدوده نشدن  
بنی‌آیا حرمتی که از زمان "طاغوت" برای صرف "مخالفت"  
برخای مانده، و "نى سوارانى" که در ظلمات عصر طاغوت  
نهساوار! " می‌نموده اند نیز برای حفظ اسطوره! سلحشور  
یا دن کیشوتیشان، همچون حبل المتینی بدان دست  
باریده‌اند، ممکن نباشد. و امیدواریم این ممکن باشد.  
السلام

سلمان فارسی گوید: هر گاه خدای عز و جل  
هلاک بندادی را خواهد (او را مستحق لطف  
و توفیق نداند) حیاء را از او بگیرد و چون  
حیاء را از او بگرفت او بمردم خیانت کند و  
مردم باو، و چون چنین کرد، امانت بکلی از او  
برگناreshود، و چون امانت از او رخت بریست،  
همواره خشن و سخت دل بشود، و چون خشن  
وسخت دل شد رشته ایمان از او بریده شود و  
چون رشته ایمان از او بریده شد، او را جز  
شیطانی ملعون، نبینی (صفاتش همه شیطانی  
شود و مورد لعنت خدا و ملاکه قرار گیرد)





قرارنامه در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۱۷

شنبه ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۹ - شماره ۳۷۹۵

ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	صندوق بانکها:
۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰		سهام طبقه الف	۲۱۴۰۰۷		۴۵۸۱			سپرده‌های جاری
۲۶۴۰۰۰		سهام طبقه ب			۱۰۱۴۶۱			سپرده‌های پسانداز
۲۴۰۲۱۶۳۱۲		مانده حساب سود و زیان (قبل از تقسیم سود)			۴۵۰۰۰۰۰۰			سپرده‌های مدت‌دار
		سپرده‌ها:	۵۲۳۷۶۵۲۹		۱۲۰۴۸۷			سپرده مسدود نقدینگی
۲۴۰۴۳۲۶		پسانداز غیر وامخواه	۱۷۶۵۷۹۳۲۴					مانده وام‌های پرداخت شده
۱۴۰۰۸۲۴۸		پسانداز وامخواه	۳۰۰۰۰۰					وام در مقابل غیرمنقول
۱۶۰۴۱۲۵۷۴		سایر بدھیها	۱۷۶۸۷۹۳۲۴					وام کارمندی
۱۰۰۳۲۹۳۲۵			۳۵۳۲۵۸۶					کسر میشود - ذخیره جبران زیانهای احتمالی
۲۵۱۰۲۲۲۰۲۱			۲۲۵۵۸۶۱۵					اموال منقول و غیرمنقول
۳۱۹۰۴۴۰۰۴۸۵			۸۰۰۰۹۹۰					کسر میشود - ذخیره استهلاک
		طرف حسابهای انتظامی	۳۱۷۶۶۴۲۸۵					حسابهای انتظامی:
			۳۰۰۰۰۰					ازیش گروگانها
			۷۴۰۲۰۰					اسناد تضمین وام کارمندی
			۱۴۰۰۰۰۰					و دبیعه و هزینه نصب تلفن
			۳۱۹۰۴۴۰۰۴۸۵					سایر حسابهای انتظامی

## حساب سود و زیان برای دوره از ۱۰/۱۰/۱۳۵۶ تا ۱۰/۱۳۵۸

دوره مالی از ۱۳۵۶/۱۰/۱	دوره مالی از ۱۳۵۸/۱۰/۱	دوره مالی از ۱۳۵۶/۱۰/۱	دوره مالی از ۱۳۵۸/۱۰/۱	دوره مالی از ۱۰/۱۲/۲۹	هزینه‌های اداری			
۵۸/۳/۱۷	۵۷/۱۲/۲۹	۵۷/۱۲/۲۹	۵۷/۱۲/۲۹	۵۸/۳/۱۷	۵۷/۱۲/۲۹	۵۷/۱۲/۲۹	۵۸/۳/۱۷	حقوق کارکنان و حق الزحمه هیئت مدیره
ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	ردیل	عیدی و فوق العاده کارکنان
۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۵۰۴۳۰۴	۱۱۰۵۶۲۸۵۹	۱۱۰۵۶۲۸۵۹	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۶۸۳۱۹۵	۳۵۸۲۵۲۶۸	۶۸۳۱۹۵	پاداش بازرسان و کارکنان
۲۰۰۰۰۰۰۵۴	۸۹۲۱۰۸	۱۹۷۰۷۹۴۶	۱۹۷۰۷۹۴۶	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۱۲۲۱۰۵	۱۰۵۶۴۰۵۶۰	۱۰۵۶۴۰۵۶۰	کرایه محل و تعمیرات ساختمان
۱۳۲۱۸۴	۲۶۵۰۱	۱۱۰۵۶۸۳	-	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۶۰۵۲۲۸	۲۱۱۲۵۰۰	۲۱۱۲۵۰۰	تبليغات
۷۹۵۴۲	۷۹۵۴۲	-	-	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۶۱۱۰۰	۶۷۵۹۲۰	۶۷۵۹۲۰	خرید خدمات
۳۰۲۸۸	۳۰۲۸۸	-	-	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۳۷۶۰۰	۳۴۱۵۸۸	۳۴۱۵۸۸	مطبوعات و نوشت افزار
۱۱۰۴۰۹۵۰۳	۵۲۸۰۰۰	۸۵۶۵۰۳	۱۳۰۰۰	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۱۵۱۶۵۴	-	۱۵۱۶۵۴	سایر هزینه های اداری
۲۵۰۵۰۰	۱۲۵۰۰	۱۲۵۰۰	۱۳۰۰۰	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۳۰۳۹۹۵	۱۴۳۷۷۶	۱۶۰۴۱۹	بهره وام پرداختی به مدیر عامل سابق شرکت
۱۳۰۰۹۵۰۳	۵۰۴۰۵۰۰	۸۶۹۰۰۵۳	۱۴۰۹۵۰۳	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۷۹۲۰۵۳۹	۱۲۸۵۰۵	۶۶۳۵۳۴	بهره وام پرداختی به مدیر عامل سابق شرکت
۷۲۸۲۵	۵۵۷۲۲۵	۱۷۱۰۰	۱۶۶۲۴	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۱۰۵۰۷۱۵۹۸	۱۲۸۶۵۰۹	۸۰۷۸۵۰۸۹	بهره سود تضمین شده بابت:
۳۰۷۷۴	۲۱۵۰	۱۶۶۲۴	-	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۱۱۸۱۰۰	۱۰۱۵۰	۱۰۷۰۹۵۰	بهره سود تضمین شده بابت:
۷۶۵۹۶	۵۷۸۷۵	۱۸۷۲۴	-	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۱۱۰۵۰۷۱۵۹۸	۱۰۵۰۷۱۵۹۸	۱۰۵۰۷۱۵۹۸	بهره سود تضمین شده بابت:
۴۱۰۹۸۱۹۶	۳۴۰۰۱۲۹	۳۷۶۹۸۰۵۷	۴۱۰۹۸۱۹۶	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۱۹۵۰۵۱	۳۲۹۹۸۷	۱۵۲۰۶۴	سپرده های پسانداز غیر وامخواه
۲۵۰۵۰۰	۳۴۰۰۱۲۹	۳۷۶۹۸۰۵۷	۴۱۰۹۸۱۹۶	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۴۰۳۶۱۰	۴۵۹۴۴	۳۵۷۶۶	سپرده های پسانداز وامخواه
۱۳۰۰۹۵۰۳	۵۰۴۰۵۰۰	۸۶۹۰۰۵۳	۱۴۰۹۵۰۳	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۱۰۵۰۷۱۵۹۸	۲۵۰۵۸۳	۲۰۹۰۵	سپرده های مدت دار
۷۲۸۲۵	۵۵۷۲۲۵	۱۷۱۰۰	۱۶۶۲۴	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۲۰۹۰۵	۳۰۵۸	-	بهره و کارمزد پرداختی
۳۰۷۷۴	۲۱۵۰	۱۶۶۲۴	-	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۴۸۴۲۵۱	۵۹۲۴۶	۴۲۵۰۵	سود تضمین شده سهام طبقه ب
۷۶۵۹۶	۵۷۸۷۵	۱۸۷۲۴	-	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۱۲۱۷۲۵۸۲	۱۴۲۸۵۹	۱۹۶۲۷۲۲	بهره وام تدبیعی
۴۱۰۹۸۱۹۶	۳۴۰۰۱۲۹	۳۷۶۹۸۰۵۷	۴۱۰۹۸۱۹۶	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۸۱۰۵۲۴	۵۶۵۹۷۱	۲۴۴۳۵۳	هزینه استهلاک
۲۵۰۵۰۰	۳۴۰۰۱۲۹	۳۷۶۹۸۰۵۷	۴۱۰۹۸۱۹۶	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۲۱۶۶۹۴	-	۲۱۶۶۹۴	هزینه تاسیس
۱۳۰۰۹۵۰۳	۵۰۴۰۵۰۰	۸۶۹۰۰۵۳	۱۴۰۹۵۰۳	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۳۵۲۷۵۸۶	۳۵۲۷۵۸۶	-	نقل به حساب ذخیره جبران زیانهای احتمالی
۷۲۸۲۵	۵۵۷۲۲۵	۱۷۱۰۰	۱۶۶۲۴	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۲۴۲۱۶۳۱۲	(۲۱۴۲۹۴۶۰۲۵۸)	۲۶۳۶۰۲۵۸	سود (زیان) و بذله
۳۰۷۷۴	۲۱۵۰	۱۶۶۲۴	-	۱۱۰۵۶۷۰۱۶۳	۴۱۰۹۸۱۹۶	۳۴۰۰۱۲۹	۳۷۶۹۸۰۵۷	توضیح: طبق تصمیم مجمع عمومی بانکها مقرر گردید که ۱۰ درصد سود بین سهامداران تقسیم گردد.

نظر به اهمیت نقش بانکهای کشور در توسعه اقتصادی، بالاخص در امور تولیدی، صنعتی، معدنی و کشاورزی درجهت اجرای سیاست و برنامه های تولیدی دولت، و نظر بانکهای پرداخت سپرده های مسدود مدردم تو سمت دولت تضمین گردیده و همچنین بمنظور جلوگیری از افزایش مشکلات بیکاری، وبالاخره در نظر گرفتن مفاد قوانین مربوط به ملی کردن بانکها و طرز اداره امور آنها، مجمع عمومی بانکها درجهت تداوم فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری ملی شده، باستناد قانون اجازه تأمین سرمایه بمنظور تداوم فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری ملی شده، مصوب جلسه مورخ ۱۳۵۹/۴/۶ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تصویب نموده مبلغ ۱۰۰۰ ریال بابت جبران زیان و تأمین کسری تامیلخ ثبت شده و پرداخت شده از محل منابع بانک مركزی ایران تأمین و پرداخت گردید.

مصوب مجمع عمومی بانکها







